



نشاط در تنوع چیدمان

ثمانه ابروانی

معماری اثر بخش

این سه روز، ما شنونده باشیم و یک یا چند استاد در مورد مطلب خود سخن رانی کنند. اما بر خلاف تصورمان، این طور نبود. وارد نمازخانه که شدیم، میزهایی را دیدیم که به صورت یک نعل بزرگ چیده شده بود و یک نیم دایره را تشکیل می داد و وسط آن هم میز معلم، پرده‌ی نمایش و غیره.

سمینار شروع شد و ما یکی دو ساعت مستمع بودیم. بعد از آن، استاد سرزنده‌ی این دوره، از تمام دوستان فعالیت‌ی یک نفره (مطالعات یک نفره) را درخواست کردند و ما انجام دادیم. در یکی دو ساعت بعد، سریعاً یک فعالیت گروهی چهار نفره (کار گروهی ۴ یا ۶ نفره) ایجاد شد. مبلمان فضا سریعاً تغییر کرد و برخی به برخی دیگر پیوستند تا کار گروهی پانزده دقیقه‌ای خود را انجام دهند. در تمام این فضا، دوستان اجازه داشتند اگر خسته شدند، راه بروند و از نوشیدنی و خوراکی که در گوشه‌ی نمازخانه بود، بهره ببرند (آزادی در خوردن و آشامیدن در حین آموزش).

کلاس به تیمی دوم روز رسید. کل کلاس به دو گروه بزرگ ۱۰ نفره تبدیل شد. این شرایط نیازمند آن بود که دوباره مبلمان کلاس عوض شود (تشکیل گروه‌های بزرگ) و پس از تلاش، تکاپو، سادی و تحرک، دوباره نظام کلاس به روش سمیناری برگشت و حدود سی دقیقه اسلایدهای استاد را شنیدیم و یادداشت‌برداری کردیم (روش تدریس معلم محوری). روز بعد استاد مربوطه گروه‌های سابق ما را به هم زدند و گروه‌های سه نفره‌ی جدید و چهار نفره تشکیل دادیم (گروه‌های جدید و تعامل با دیگر دانش‌آموزان). بعد از آن، برنامه طوری چیده شده بود که متن‌هایی به ما داده شد تا آن‌ها را تحلیل کنیم (روش تدریس عملی). بخشی از دوستان در ترجمه و تحلیل مطالبی ضعیف بودند. به همین دلیل، ناخودآگاه تشکیل گروه‌های کوچک‌تری دادند تا بتوانند مشکلات همدیگر را حل کنند (یادگیری از هم‌سالان) و پس از آن، توانستیم کاغذ دیواری‌های منظمی را در زمان بیست دقیقه شکل و هر گروه در مورد آن‌ها توضیح دهیم (روش تدریس پروژه محوری).



کلیدواژه‌ها: کلاس درس، چیدمان، تنوع.

اشاره

میز و نیمکت کلاس را در فضای کلاس چگونه قرار دهیم؟ تابلوی کلاس کجا قرار بگیرد؟ دانش‌آموزان در کلاس به چه شکلی بنشینند؟ و... سؤال‌هایی هستند که شاید ما معلمان کمتر به آن‌ها توجه داریم. اما تحقیقات و تجارب آموزشی بیانگر این هستند که چگونگی انعطاف در چیدمان میز و نیمکت کلاس، چگونگی نشستن کلاس، قوانین کلاس و... تأثیر بسیار زیادی در چگونگی یادگیری دانش‌آموزان دارد. خانم ثمانه ابروانی، چند سالی است که در زمینه‌ی طراحی محیط‌های یادگیری متمرکز مطالعه کرده و در زمینه‌ی معماری اثر بخش در یادگیری، تجارب زیادی به دست آورده است. نوشته‌ی زیر، به یکی از تجارب شیرین ایشان اشاره می‌کند که می‌تواند برای ما آموزه‌های زیادی داشته باشد.

یک کلاس موفق در سده‌ی بیست و یکم، کلاسی است که منعطف‌تر باشد و قابلیت تغییر را در زمانی کوتاه برای معلم و شاگرد ایجاد کند

چند روز پیش، در سمیناری تحت عنوان «هوش عاطفی و چگونگی رهبری کردن آن» شرکت کردم. دوره در طول سه روز در نمازخانه‌ی یکی از دبیرستان‌های تهران برگزار شده بود. خوب در این دوره، هر معلمی انتظار داشت نمازخانه را طوری مبلمان کرده باشند که شبیه آمفی تئاتر باشد و دوستان به صورت ردیفی (مانند کلاس‌های درس امروزی) بنشینند و پرده‌ی نمایش و احیاناً تخته‌ی وایت‌برد نیز روبه‌روی شرکت‌کنندگان باشد و در طول



در زمان‌های استراحت گروه نیز، کتاب‌ها و لپتاپ‌هایی برای هر نفر مهیا بود هر نفر می‌توانست موقع استراحت کل دوره، روی زمین بنشینند، دراز بکشند، مطالعه و یا فکر کند (مطالعات آزاد و ایجاد فضاهای دنج) و یا دوستان می‌توانستند از ادانه راجع به موضوعاتی که دوست دارند، بحث و گفت‌گو کنند (فضاهای پاتوقی در تجمع‌های غیرنرمال). استاد دوباره به روش سمیناری، فراگیری مطالب را ادامه دادند و دست آخر، تناثری را در دو دقیقه برای فهم بیشتر برخی مطالب اجرا کردیم (روش تدریس نمایشی). باز بخشی از نمازخانه یک گروه بزرگ ۲۰ نفری را تشکیل داد (فعال شدن همگی کلاس و تشکیل یک زون بزرگ در گوشه‌ای از کلاس). بعد از سخن گفتن تمام حاضران و نقد و بررسی هر روزه‌ی آن‌ها، کل دوره با رضایت تمامی حضار به پایان رسید.

من آن زمان با خود فکر کردم، آیا معلمان ما در یک کلاس درس می‌توانند این همه تنوع، در گروه، مبلمان و اجرای روش‌های تدریس داشته باشند؟ آیا آن‌ها می‌توانند در یک ساعت چندین فعالیت را به شکل‌های متفاوت اجرا کنند؟ در نمازخانه‌ی مذکور، معماری و طراحی باز آن و مفروض بودن کفه، این آزادی را به ما می‌داد که بتوانیم هر نوع چیدمانی را در فضا اجرا کنیم. البته می‌توانستیم فقط به مدل قدیمی معلم محوری، نیمکت‌ها را بچینیم و فقط کلاس را به صورت سمیناری اجرا کنیم، اما آیا آن موقع می‌توانستیم از دانش‌آموزان انتظار داشته باشیم که شاد و بشاش باشند؟ آیا آن‌ها بعد از استراحت در نیمه‌ی روز، خسته و خواب‌آلود نبودند؟ آیا آن‌ها می‌توانستند در این چیدمان حضوری فعال داشته باشند؟ نمازخانه برای کار آموزش، فضایی منعطف‌تر نسبت به کلاس بود و شما می‌توانستید هر طور که می‌خواهید، این چیدمان را تغییر دهید. یک کلاس موفق در سده‌ی بیست‌ویکم، کلاسی است که منعطف‌تر باشد و قابلیت تغییر را در زمانی کوتاه برای معلم و شاگرد ایجاد کند.

ایا تمام کلاس‌هایی که ما حتی امروزه در مدراس جدید می‌سازیم، این ویژگی را دارند؟ آیا مناسب انواع روش‌های تدریس

هستند؟ یا فقط پاسخی هستند برای یک نوع روش تدریس که آن هم «روش معلم محوری و تدریس تک بعدی» است؟ این جاست که من به عنوان یک «معمار» می‌گویم، معماری مدرسه، معماری فضا و چیدمان آن، در روش تدریس معلم و آزادی آن در انتخاب روش تدریس و میزان یادگیری دانش‌آموزان تأثیر بسیار زیادی دارد. بیایید به معماری کلاس‌های درسمان نگاهی دوباره بیندازیم.